



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۴ اسفند ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۸۴

موضوع کلی: وضع

موضوع جزئی: قسم سوم وضع - وضع هیئات

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### وضع هیئات:

دومین مورد از مواردی که محل بحث واقع شده که آیا وضع در آنها از قبیل وضع عام و موضوع له خاص است یا خیر هیئات می‌باشند. در بین انظاری که در مورد وضع حروف مطرح شد عمدتاً وضع حروف و هیئات را یکسان دانستند یعنی هیئات را هم ملحق به حروف کرده‌اند و تفصیلی بین هیئات و حروف داده نشده، فقط محقق عراقی بین حروف و هیئات تفصیل داده و فرموده حروف برای اعراض نسبی و هیئات برای ربط و نسبت بین طرفین وضع شده‌اند. غیر از محقق عراقی سایر بزرگان بین معنای حرفی و مفاد هیئات تفصیل نداده و وضع را در هر دو یکسان دانسته‌اند. حال ما باید این مسئله را بررسی و ببینیم آیا وضع هیئات هم مثل وضع حروف است یا نه و ببینیم نظر محقق عراقی در این رابطه تمام است یا خیر؟

### اقسام هیئات جمل:

ابتدائاً لازم است اقسام هیئات جمل را ذکر کنیم و بعد در مورد معنای آنها و همچنین کیفیت وضع آنها بحث کنیم. منظور از هیئات همان هیئات جمل است، جملات دارای تقسیماتی هستند که یکی از آن تقسیمات عبارت است از: جمل تامه و جمل ناقصه.

منظور از جمل تامه جمله‌هایی است که یصح السکوت علیها می‌باشند و سکوت در برابر آنها صحیح است و شنونده حالت انتظار ندارد، منظور از جمل ناقصه هم جمله‌هایی است که سکوت در برابر آنها صحیح نیست و شنونده حالت انتظار دارد و این حالت انتظار هم معلوم است مثلاً وقتی کسی می‌گوید «زید قائم»، شنونده منتظر اینکه متکلم چیزی را بیان کند نیست اما وقتی می‌گوید «غلام زید» یا «زید العالم» در این صورت شنونده منتظر است که متکلم سخن خود را ادامه دهد و حالت انتظار دارد.

جمل تامه هم به دو قسم تقسیم می‌شوند که عبارتند از: جمل خبریه و جمل انشائییه. جمله «زید قائم» یک جمله تام خبریه است که یصح السکوت علیها می‌باشد. جمله «اضرب» یک جمله تام انشائییه است که باز هم یصح السکوت علیها می‌باشد، پس از جهت تام بودن بین جمله خبریه و انشائییه فرقی نیست و سکوت بر هر دو صحیح است.

جمل ناقصه هم دارای دو قسم‌اند: بعضی از قبیل مضاف و مضاف الیه هستند مثل «غلام زید»، برخی هم از قبیل صفت و موصوف مثل «زید العالم». پس هیئات جمل به طور کلی چهار قسم‌اند: هیئات جمله خبریه، هیئات جمله انشائییه، هیئات مضاف و مضاف

ایه و هیأت صفت و موصوف. حال ما باید این اقسام را مورد بررسی قرار دهیم که معنای اینها چیست و کیفیت وضع در آنها به چه نحو است.

### معنای جمله خبریه و انشائیة:

ما فعلاً در صدد بیان حقیقت انشاء و اخبار نیستیم چون یک بحث این است که حقیقت انشاء و اخبار چیست که در اینجا آراء و انظار مختلفی وجود دارد و ما در اوائل بحث از حکم شرعی که در سال‌های گذشته مطرح کردیم به مناسبت بیان حقیقت حکم شرعی در یکی از مقدمات بحث این مسئله را مبسوطاً مورد بررسی قرار دادیم و گفتیم برای اینکه حقیقت حکم شرعی معلوم شود باید مقدماتی از جمله فرق بین انشاء و اخبار توضیح داده شود که حقیقت انشاء و اخبار چیست، فرق انشاء و اعتبار چیست و آیا فرقی بین انشاء و اعتبار وجود دارد یا نه؟ ما الآن وارد بحث از حقیقت انشاء و اخبار نمی‌شویم و فقط می‌خواهیم ببینیم جمله خبریه و جمله انشائیة چه معنایی دارند و هیأت «زید قائم» که یک جمله خبریه است با هیأت «افعل» که یک جمله انشائیة است چه تفاوتی دارد؟ در این رابطه انظار مختلفی مطرح شده که چون ترتیب مباحث، بر اساس کفایة الاصول است ما از نظر مرحوم آخوند شروع می‌کنیم و ابتداء نظر ایشان و در ادامه نظر سایرین را مطرح خواهیم کرد.

### ۱- نظر مرحوم آخوند:

ایشان می‌فرماید: «لایبعد...» بعید نیست اختلاف بین جمله خبریه و انشائیة مثل اختلاف بین حروف و اسماء باشد، یعنی همان گونه که در حروف و اسماء وضع و موضوع له و مستعمل فیہ یکسان است در جمله خبریه و انشائیة هم وضع و موضوع له و مستعمل فیہ واحد است، البته عبارت مرحوم آخوند ممکن است موهم یک تفاوتی بین خبر و انشاء در مستعمل فیہ باشد اما قطعاً نظر ایشان این نیست که مستعمل فیہ در خبر و انشاء، متفاوت هستند بلکه به نظر ایشان مستعمل فیہ در هر دو یکسان است لکن ظرف استعمال فرق می‌کند که توضیح بیشتر آن را اشاره خواهیم کرد. به نظر مرحوم آخوند معنای «بعث» که یک جمله خبری است با معنای «بعث» که یک جمله انشائی است یکسان است و دو معنی ندارند. قبل از اینکه نظر مرحوم آخوند را شرح دهیم لازم است دقیقاً موضوع و محل نظر ایشان معلوم شود که ایشان در رابطه با کدام یک از اقسام جمل این سخن را می‌گویند.

### تنقیح محل بحث:

موضوع بحث مرحوم آخوند آن قسم از جملاتی است که گاهی در مقام اخبار و گاهی در مقام انشاء بکار می‌روند، یعنی قابلیت هر دو قسم را دارند لذا جملاتی که فقط در مقام اخبار یا جملاتی که فقط در مقام انشاء استعمال می‌شوند از دایره این بحث خارج است، ما اگر بخواهیم جملات را از این حیث تقسیم کنیم سه قسم جمله داریم:

بعضی جملات فقط قابلیت استفاده در مقام اخبار را دارند یعنی محض در اخبارند و به عبارت دیگر فقط قابلیت حکایت را دارند مثل «زید قائم» که این جمله هیچ وقت در مقام انشاء استعمال نمی‌شود و اگر هم استعمال شود، این استعمال، صحیح نیست.

برخی از جملات هم فقط قابلیت ایجاد را دارا می‌باشند یعنی محض در انشاء هستند مثل اینکه متکلم بگوید «اضرب»، این جمله هم اگر در مقام اخبار استعمال شود، استعمال آن صحیح نیست چون محض در انشاء می‌باشد، مرحوم آخوند هیچ اشاره‌ای

به فرق بین این دو قسم از جمل نمی‌کند چون فرق آنها روشن است، جمله خبری برای حکایت از واقع مورد استفاده قرار می‌گیرد، وقتی گفته می‌شود «زید قائم» این جمله در مقام حکایت از واقع است، جمله انشائی هم فقط برای ایجاد معنی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «افعل»، واضح می‌خواهد با این جمله معنای آن را ایجاد کند. بحثی در این دو قسم از اقسام جمل نیست و معنای این دو قسم معلوم است.

اما بعضی از جمله‌ها هستند که هم قابلیت اخبار را دارند و هم قابلیت انشاء و هم می‌توانند در مقام انشاء بکار بروند هم در مقام اخبار مثل «بعثت»، یعنی «بعثت» اگر به صورت فعل ماضی و به صورت اخبار مورد استفاده قرار گیرد از وقوع بیع در زمان گذشته خبر می‌دهد اما اگر در مقام انشاء بکار برود با این لفظ یک امر اعتباری که نقل و انتقال مالکیت باشد را انشاء می‌کند.

پس اساس نظر مرحوم آخوند برای فرق بین جمل انشائیه و خبریه مربوط به جملاتی است که هم قابلیت اخبار را دارند و هم قابلیت انشاء، ایشان می‌فرماید هیچ فرقی بین جمله خبریه و انشائیه در این مقام نیست و «بعثت» خبری با «بعثت» انشائی هیچ فرقی ندارند و وضع، موضوع‌له و مستعمل‌فیه در این دو جمله یکی است و هر دو عام می‌باشند، سؤال این است که پس تفاوت جمله خبریه و انشائیه چیست؟

#### **تفاوت جمله خبریه و انشائیه:**

مرحوم آخوند در معانی حرفیه و اسمیه فرمودند معنای حروف و اسماء، ذاتاً و حقیقتاً یکی است و تفاوت آنها فقط در لحاظ آلی و استقلالیه است به این بیان که حروف به نحو آلی لحاظ ولی اسماء به نحو استقلالیه لحاظ می‌شوند، اینجا هم معنای جمله خبریه و انشائیه یکی است و تفاوتی در وضع، موضوع‌له و مستعمل‌فیه ندارند و فرقیشان فقط مربوط به ظرف استعمال یا به عبارت دیگر داعی این دو است که داعی جمله خبریه با جمله انشائیه متفاوت است، ظرف استعمال جمله خبری جایی است که می‌خواهد از گذشته خبر دهد و ظرف استعمال جمله انشائی جایی است که در مقام انشاء باشد یعنی غرض در خبر، حکایت است و غرض در انشاء، ایجاد است یعنی گویا واضح وضع جمله «بعثت» را مقید کرده به اینکه چنانچه داعی بر استعمال، حکایت باشد جمله، خبریه و چنانچه داعی بر استعمال، ایجاد باشد جمله، انشائیه است - منظور از این ایجاد، ایجاد تکوینی نیست بلکه منظور، ایجاد اعتباری است به این نحو که واضح مثلاً در عالم اعتبار می‌خواهد چیزی به نام ملکیت را ایجاد کند و همین طور در هر عقدی از عقود، غرض و داعی ایجاد آن معنی در وعاء اعتبار است - البته پس طبق نظر مرحوم آخوند اخباریت و انشائیت نه از قیود موضوع‌له است و نه از قیود مستعمل‌فیه بلکه از دواعی استعمال می‌باشد، در «بعثت» که هم قابلیت اخبار و هم قابلیت انشاء را دارد موضوع‌له عبارت است از نسبت ماده (بیع) به فاعل لکن گاهی داعی حکایت از بیعی است که قبلاً واقع شده و گاهی داعی ایجاد ماده یا ایجاد نسبت ماده به خود در عالم اعتبار است. پس به نظر مرحوم آخوند معنای «بعثت» که یک جمله خبری است با «بعثت» که جمله انشائیه است یکسان است.

دو مسامح در عبارت مرحوم آخوند:

ایشان در ادامه می‌فرماید: «لیستعمل فی قصد حکایة المعنی»، تسامحی در این عبارت وجود دارد، این عبارت نمی‌خواهد بگوید این لفظ مثلاً لفظ «بعث» در قصد حکایت معنی بکار رود، چون قصد جزء معنی نیست، معنای «بعث» چیز دیگری است و قصد حکایت، داعی است یعنی اگر بخواهیم این عبارت مرحوم آخوند را به صورت دقیق بیان کنیم باید بگوییم منظور ایشان این است که «لیستعمل فی معناه فی مقام قصد حکایة المعنی»، اگر منظور ایشان عبارت اول باشد معنای عبارت این است که معنای آن جمله قصد حکایت است اما اگر گفتیم منظور ایشان این عبارت اخیر است که ذکر کردیم در این صورت قصد حکایت معنی عبارت از خود معنای «بعث» نیست و معنای «بعث» خود حکایت یعنی نسبت بین ماده و شخص است که اگر در مقام قصد حکایت باشد، جمله خبریه است و اگر در مقام قصد ایجاد باشد جمله انشائیه است، پس قصد الحکایة یا قصد الایجاد، جزء معنای هیأت نیست و خارج از معناست، همچنین اگر بگوییم منظور ایشان از عبارتی که فرموده این است که معنای «بعث» قصد حکایت معنی می‌باشد بر فرق بین خبر و انشاء دلالت می‌کند و اگر از این عبارت استفاده شود که مستعمل‌فیه در جمل خبریه و انشائیه فرق دارد در این صورت نمی‌تواند جمل انشائیه و خبریه را به اسماء و حروف تشبیه کند، در حالی که مرحوم آخوند می‌فرماید: هیئات مانند حروف هستند و وضع و موضوع‌له و مستعمل‌فیه در آنها یکسان است. پس ظاهر عبارت ایشان که می‌فرماید: «لیستعمل فی قصد حکایة المعنی» دلالت می‌کند بر اینکه معنای جمله خبریه و انشائیه فرق می‌کند و در این صورت تشبیه جمله خبریه و انشائیه به باب اسماء و حروف صحیح نیست پس برای اینکه این مشکل پیش نیاید ناچاریم بگوییم در این عبارت مسامحه واقع شده و منظور از این عبارت چیز دیگری غیر از ظاهر آن است؛ یعنی منظور این است که «لیستعمل فی معناه فی مقام قصد حکایة المعنی»، یعنی قصد حکایة المعنی را جزء مستعمل‌فیه ندانیم بلکه داعی بر استعمال است. پس به نظر مرحوم آخوند جمله خبریه و انشائیه هیچ فرقی با هم ندارند، یعنی جملاتی که هم قابلیت انشاء دارند و هم قابلیت اخبار هیچ فرقی با هم ندارند و معنی، وضع، موضوع‌له و مستعمل‌فیه آنها یکی است و تنها فرق بین جملات انشائیه و اخباریه در داعی می‌باشد که داعی بر استعمال در خبر با داعی بر استعمال در انشاء متفاوت است. تسامح دوم این است که مرحوم آخوند می‌فرماید: «لا یبعد...» این وجهی ندارد؛ چون ایشان می‌گوید: تفاوت بین جمل انشائیه و خبریه هم مثل اختلاف بین حروف و اسماء است، ایشان در باب حروف فرمود معنای حرفی و اسمی یکسان است و فرق آنها فقط به لحاظ آلی و استقلال است، سؤال این است که اگر جمل خبریه و انشائیه هم مثل باب حروف و اسماء هستند و فرقی بین آنها نیست مگر به لحاظ داعی چرا مرحوم آخوند فرموده «لا یبعد...»؟ «لا یبعد...» دال بر این است که غیر از اختلاف به لحاظ داعی، تفاوت دیگری هم بین جمل خبریه و انشائیه وجود دارد در حالی که مرحوم آخوند غیر از اختلاف به لحاظ داعی بین جمل خبریه و انشائیه، فرق دیگری را بیان نکرده است، لذا به نظر می‌رسد تعبیر «لا یبعد» که در کلام مرحوم آخوند آمده یک تعبیر مسامحی است.

**بحث جلسه آینده:** کلام مرحوم آخوند را انشاء الله در جلسه آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»